

غزل شماره ۱۷۸

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند
وان که این کار ندانست در انکار بماند

اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن
شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند

صوفیان واستند از گرومی همه رخت
دلّی ما بود که در خانه خمار بماند

مختب شیخ شد و فنِ خود از یاد بُرد

قصهٔ ماست که در هر سمر بازار بماند

هر می لعل کز آن دستِ بلورین ستیم

آبِ حسرت شد و در چشمِ کهر بار بماند

جز دلِ من کز ازل تا به ابد عاشق رفت

جاودان کس شنیدیم که در کار بماند

کشتِ بیمار که چون چشمِ تو گردد ز کس

شیوهٔ تو نشدش حاصل و بیمار بماند

از صدایِ سخنِ عشقِ ندیمِ خوشتر

یادگاری که در این کنبه دُوار بماند

داستم دلتی و صد عیبِ مرا می پوشید

خرقه رهنِ می و مطرب شد و زُنا بماند

بر جمالِ تو چنان صورتِ چین حیران شد

که حدیثِ همه جاد در و دیوار بماند

به تماشا که زلفش دلِ حافظ روزی

شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند

تفسیر فال

به عهد و پیمانی که بسته‌ای، پایبند و وفادار باش. این تعهد نه تنها نمایانگر شخصیت توست، بلکه نشان‌دهنده‌ی اراده و صداقت در روابطی است که برقرار کرده‌ای. حریم خود را با دقت حفظ کن زیرا اگر این مرزها را بشکنی، ممکن است به سرعت آبرویت به خطر بیفتد و عواقب آن بر زندگی اجتماعی‌ات تأثیر بگذارد. عشق را در دل خود جاودانه کن؛ چرا که این احساس عمیق نه تنها روح تو را پر می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا هیچ‌گاه دلت تیره و غمگین نگردد. محبت و عشق تو همچون نوری در تاریکی می‌درخشد و همه را حیران می‌کند. وجود چنین احساسی در زندگی‌ات نامت را بر سر زبان‌ها خواهد انداخت و در دل‌های دیگران جایگاه ویژه‌ای برای تو ایجاد خواهد کرد. با پرورش عشق و محبت، نه تنها خودت بلکه اطرافیانت نیز از این احساس بهره‌مند خواهند شد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)